

# تاریخ انقلاب ایران

جناب سید حسن تقی زاده



از انتشارات مجله نعا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

سال هجری ۱۳۴۰ شمسی = ۱۳۸۱ قمری

درمیان اوراق و رسائل مرحوم عباس اقبال آشتیانی که به کتابخانه مرکزی دانشکاه انتقال یافته رساله‌ای است بنام «تاریخ انقلاب ایران» که جناب سید حسن تقی‌زاده دامت برکاته تقریر فرموده اند و بعداً با ماشین تحریر شده و بصورت کتاب درآمده است.

دوست دانشمند بسیار نجیب صمیم ایرج افشار که بمجله یغما لطفی خاص ویی شائبه دارد و در هر موقع مهربانی‌ها می‌فرماید، این رساله را از میان آن اوراق و رسائل انتخاب و برای چاپ بمجله لطف کردند.

حق این بود که این کتاب دیگر بار به نظر مبارک جناب تقی‌زاده می‌رسید، اما کتابی است که در پانزده شانزده سال تدوین و برای چاپ آماده شده (شاید بنیت چاپ در مجله یادگار)، و ممکن است تجدید نظر مؤلف بزرگوار مدت گیرد و دیگر بار فرصت از دست بشود که وفی التأخیر آفات.

باین ملاحظات همچنان که هست بچاپ میرسد و از مقام عالی جناب تقی‌زاده بوزش و معذرت تمام می‌خواهد و استدعا میکنند هر گاه در تکمیل و تصحیح و توضیح مندرجات این رساله نظری دارند مرقوم فرمایند که در پایان کتاب بچاپ رسد.

تردید نیست که این رساله از اسناد و مأخذ و منابع دست اول در نهضت ملی ایران و ایجاد مشروطیت است چه نویسنده خود از پیشروان و علمداران انقلاب و عاملی بسیار مؤثر و مؤثر بوده است، و مسلم است که مخصوصاً اهل تحقیق و مطالعه در تاریخ مشروطیت ایران از آن استفاده و بهره تمام خواهند یافت.

این رساله مفید که در حدود چهل پنجاه صفحه است بیرون از متن مجله، علی حده بصورت کتاب چاپ میشود بطوری که وقتی بیابان رسید مشترکین محترم مجله یغما میتوانند با نهایت آسانی اوراق آنرا از مجله جدا سازند، و جداگانه تجلید و نگاهداری کنند.

اردیبهشت ماه ۱۳۴۰

حبیب یغمالی

## تاریخ انقلاب ایران

اسباب مقدمه انقلاب در ایران از سالهای زیاد فراهم میشد و آن منقسم میشود بر اسباب مثبت و اسباب منفی. در اسباب مثبته مانند انتشار علوم و معارف و جرائد و کتب انبیا انگیز و معاشرت با ملل خارجه در ایران و مراودات بین المللی و سفرهای تجارتي و سیاحتی و رفت و آمد کلی عمله در ممالک خارجه و حرکات تجدّد مذهبی و عکس تأثیرات وقایع عظیمه بین المللی مانند جنگ یونان و عثمانی و ترانسوال و انگلیس و ژاپن و روس و همچنین سرایت خیالات و عقاید تجدّد خواهان عثمانی و انتشار خیال اتحاد اسلام و همدردی با ملل مسلمه دیگر و تأثر از مصائب وارده بممالک اسلامی از طرف فرنگیها و انقراض تاریخی آنها از یک طرف و سرایت انقلاب روسیه و اوضاع قفقازیه از طرف دیگر بتدریج متر اکم می شد. در تأثیر این اسباب مثبته غالباً همه ولایات مشترک نبودند و نتایج آنها در همه مملکت عمومی نبود بلکه بواسطه نبودن وسائل تمدن و مراوده سرایت و انتشار عقاید در ایران بسیار مشکل بوده و تقریباً هر ولایتی نسبت بولایات دیگر مانند ممالک مختلفه بودند که از همه دیگر دور افتاده و تابع تأثیرات مراکز مجاور خود بودند لهذا از این باب نادرا یک سبب عمومی برای ظهور انقلاب در همه ایران توان پیدا کرد ولی چیزی که اساس اصلی انقلاب و سبب عمده عمومیت و کامیابی آن شد اسباب منفیه بودند که از آن حیث تأثیر آنها در تمام ایران یک نواخت و متشابه بود مانند اصول حکومت ظالمانه و ترتیب استبدادی حکام و فقدان عدالت و عدم امنیت مالی و جانی و اجحافات علما و فساد فوق العاده محکمه های شرعی و هرج و مرج مالیاتی و ظلم بی حدود بعامه مردم و فقر و پریشانی و خرابی اقتصادی و تسلط خارجیان و فروش امتیازات بخارجه و غلبه نامه تجارت و صرافیه خارجه در بازار ایران و محور تجارت و صنایع ملی و تغییر تعرفه کمر کی بنفع ذول مجاور و قیود و عهود امتیاز اتباع خارجه و ترتیب (کاپیتولاسیون) و غیره و غیره در همه جای ایران کاملاً متساوی میبوده و میان یک دهکده کرمان و یک بلوک آذربایجان فرقی در اصول اداره استبدادی نبود.

تأثیرات اسباب مثبتة را بیشتر در پایتخت و در تبریز و رشت و کمی در مشهد میتوان دید. همه ترقیات جدیده کم و بیش وانتشار علوم وتأسيس مدارس جدیده نتیجه مدرسه دارالفنون طهران وسياحت مردم بفرنگستان وپاریس ولندن ورفتن بعضی جوانان محصل بمدارس فرنگ و انتشار نوشتجات بعضی از محررین مانند میرزا ملکم خان و میرزا آقاخان کرمانی و غیره در طهران و مرادات با روسیه و قفقازیه و اسلامبول و تأسيس جراید ایران در خارجه و کتب طالبوف و سياحت نامه ابراهیم بیگ و انتشار بعضی از نشریات وطن پرستان عثمانی ورفتن عملاً زیاد بمعادن و کارخانه های قفقاز و غیره در آذربایجان و تردّد و مراده با روسیه و مخصوصاً باکو در کیلان و ترتیب میسیونرهای امریکائی وفرانسوی دربلادمزبورہ اسباب تهیه خیالات برای انزجار از آنهمه مفاسدمملکتی که در زیر کلمه «حکومت بد» آنها را میشود جمع آوری کرد گردید.

گذشته از نشو و نمای تخم انقلاب از سی سال پیش از اعلان مشروطیت تا آن زمان وعواملی که در تهیه آن زمینه کمک کرد مانند انتشار علوم تا یک اندازه وترجمه کتب فرنگی و نوشتجات وطن پرستان و روزنامه های فارسی خارج از ایران ومساعی سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی ونوشتجات میرزا ملکم خان وبیشتر از همه خرابی وضع دولت وتنزل روز بروزوپاشیده شدن دستگاه دولتی بتدریج چیزی که مستقیماً زمینه را برای مقدمه انقلاب حاضر کرد خرابی تصور ناپذیر اوضاع اداره مملکتی در زمان مظفرالدین شاه بود که چنانکه بر اشخاصی که از نزدیک واقف بر اغتشاش و شرب الیهود آن اوضاع بودند معلوم است که در تاریخ ایران هیچ وقت پریشانی وخرابی بآن درجه نرسیده وحتی عهد شاه سلطان حسین پیش عهد مظفرالدین شاه یکی از دوره های منظم بود. همه سیاست سلطنت مظفرالدین شاه را در یک کلمه میشود گنجانند و آن سستی بی اندازه بود نسبت بخوب و بد در دادن امتیازات و دادن مستمریها والقب و مناصب و دادن اجازه طبع کتب تاحدی و دادن اجازه محصلین ایرانی بر رفتن بفرنگ و دادن ذخائر خزانه دولتی بنوکرهای خود بالجمله قبول همه تقاضاهای فرنگیان و اطرافیهای خود وملاها و آزادی طلبان وعدم مقاومت در جلو هیچ اصرار و تقاضائی باعث خرابی فوق العاده از یک طرف و آزادی زبان وقلم تاحدی از طرف دیگر گردید.

استقراضهای خانه بر انداز از روس و انگلیس و فرانسه با شرایط بسیار بد مانند استقراض سال ۱۳۱۸ (۲۲/۵ میلیون روبل) بشرط سلب اختیار دولت ایران از استقراض خارجه در آتیه بدون اجازه دولت روس سلب اختیار پس دادن خود قرض تا مدت ده سال و غیره و غیره و استقراض سال ۱۳۲۰ از روس (۱۰ میلیون روبل) بهمان شرایط قرض سابق و اتلاف عایدی هر یکی از این قرضها در اندک زمانی و استقراض ۲۹۰ هزار لیره انگلیسی از حکومت هند در ۱۳۲۲ و گرو گذاشتن عایدات شیلات بحر خزر ( که خود آن شیلات هم بمبلغ کمی یعنی ۶۰۰۰۰ منات بیک نفر روسی مسمی به لیانزوف بمدت مدیدی اجاره داده شده بود) و تلگرافخانه های همه ایران و کمرکات و ایالات جنوبی ایران و قرض پنج میلیون فرانک از فرانسه و قرض از بانکهای طهران بعنوان حساب جاری بدون تعیین مدت و تنزیلهای خیلی هنگفت از صدی ۱۲ تا ۲۴ که در زمان وفات مظفرالدین شاه این حساب جاری از بانک شاهنشاهی به ۳ میلیون تومان و از بانک روس قریب ۶/۵ میلیون تومان رسیده بود و قرض از صرافخانه های داخلی مانند تومانیاس ( ۳۵۰ هزار تومان) و حاجی عبد الرزاق اسکوئی و حاجی فرج صراف و ارباب جمشید و جهانیان و اتحادیه و غیرهم و گرفتن مالیات چند ساله بعضی ولایات پیشکی و وجه اجاره امتیازات و هكذا و هكذا.

این اوضاع که منتهی بافلاس تمام دولت گردید و از انجمله (فروش و حراج امتیازات مملکتی و مناصب و القاب و خالصجات و تیولها و حکومتها و تمام شغلها و مناصب از طرف دیگر و مخصوصاً تغییر تعرفه کمرکی بمنفعت تجار روسی و ضرر تجار ایرانی باعث عمومی شدن شکایت در میان عامه ملت گردید. مخصوصاً پیشرفت فوق العاده سیاست روس در ایران در عهد مظفرالدین شاه و اختلال موازنه سیاسی میان روس و انگلیس در ایران و امتیازات راه شوسه از رشت به طهران و جلفا و تبریز و قزوین و قوچان و مشهد و امتیاز معادن قراجه داغ و امتیاز جنگلهای مازندران و امتیاز شیلات بحر خزر و تبدیل عباس آباد با فیروزه و اجازه دادن خطوط تلگرافی بروسها) نفوذ روس را در ولایات شمالی و مرکزی محسوس گردانید.

در اواخر عهد مظفرالدین شاه در طهران و تبریز جمعی از اشخاص وطن پرست و

پرجوش پیدا شدند که با اهتمام زیاد در بیداری خیالات مردم میکوشیدند. روزنامه‌های فارسی منتشره در خارج ایران مانند نریا و پرورش و جبل‌المتین و کتب فارسی منتشره در اسلامبول و غیره بر شور مردم میافزود و وسعت دائره مدارس ملی با اصول جدید در طهران و انتشار مقداری از کتب مترجمه و شرکت طبع کتب و کتابخانه‌های علمی در طهران و همچنین انتشار معارف در تبریز و سخت‌گیری و استبداد فوق‌العاده محمدعلی میرزا که ولیعهد بود در آنجا و ظلم فوق‌العاده حکام در ولایات و مخصوصاً رفتار مستبدانه و مستقلانه عین‌الدوله که صدر اعظم بود نسبت بمالها که سابقاً همیشه قدرت و نفوذ و احترام و استقلالی داشتند و بهمان نحو تسلط حکام بر علما در ولایات مانند چوب‌زدن ظفر السلطنه حاکم کرمان حاجی میرزا محمد رضای کرمانی مجتهد آنجا را و چوب‌زدن میرزا صالح خان وزیر اکرم حاکم قزوین یکی از علمای آنجا را و غصب کردن شعاع السلطنه املاک و کیلی را در شیراز و تجاوز سرپخش باملاک و اموال مردم آنجا و تعدی آصف‌الدوله حاکم خراسان بر رعایای قوچان در خصوص مالیات و اسناد فروختن آنها بترکمان و همچنین دادن سالارمفخم حاکم بجنورد جمعی از رعایای خراسان را بترکمان و مخصوصاً مناقشه شدید میان تجار طهران و مسیونوز و تجار تبریز بامسیونریم و ضدیت علمای طهران با عین‌الدوله و تصرف بانک روس قبرستانی را در طهران و مخصوصاً تحریک بعضی از خطبای ملی خاصه آقا سید جمال‌الدین اصفهانی مردم را بر ضدیت استبداد با بیانات بسیار مؤثر سبب انفجار انقلاب گردید.

جنگ روس و ژاپون و بعد از آن انقلاب روسیه بزرگترین سبب فعلی انتباه عمومی و هیجان در ایران گردید. مردم ایران اخبار فتوحات ژاپن و پیشرفت جنگ را دنبال میکردند و از شکستهای پی در پی روس بوجد و جرات می‌آمدند و لهذا سیاست روس در ایران ضعیف شده و مردم بر ضد تحکیمات روسی صدا بلند کردند و مسئله غوغای مردم بر ضد بانک روس و فقره تصرف قبرستان طهران هم یکی از علل آن بود. بواسطه جنگ روس و ژاپن ورود مال التجاره روسی بایران نقصان یافت و قیمت قند روسی که طرف احتیاج عموم بود بالا رفت و از منی (من تبریز ۶۴۰ مثقال) چهار و پنج قران نایک تومان و دوازده قران بالا رفت. این فقره اسباب شکایت مردم در همه جا بود و بنا بر

عادت جاری در ایران که قحطی و یا گرانی هر چیزی را از چشم تجار و اصناف فروشنده آن جنس می بینند و آنها را مسؤول می شمارند بدون اینکه باسباب اصلی آن توجهی کنند. مردم شکایت پیش حا کم علاء الدوله (میرزا احمدخان قاجار) بردند و او هم مثل مردم نادان تجار قند را احضار کرده و بنای تشدد گذاشت که چرا قند گرانست. يك سیدی از تجار محترم جواب داد که گرانی و ارزانی قند در دست ما نیست. مشارالیه بفیض آمده و حکم داد سید را چوب بسته و چوب زیادی زدند و بتجار دیگر فحاشی کرد. این مسئله مقدمه اغتشاش و انقلاب شد چون زمینه و خیالات مردم حاضر بود و از مدتی باینظر وقایع عدیده مقدمه نفرت میان ملت و دولت گردیده بود مانند مسئله شکایت تجار از مسیونوز که قریب يك سال بود عنوان قیل و قال بوده و منجر به هجرت تجار بشاه عبدالعظیم و تحصن در آنجا گردیده بود و سعدالدوله (میرزا جوادخان) وزیر تجارت آنها را باطناً تشویق می کرد مایه عدم رضایت شدت یافته بود بدین جهات پس از آنکه حکومت بوعده ها و تعهدات تجار را از شاه عبدالعظیم بر گردانید سعدالدوله را گرفتار ساخته و تحت الحفظ روانه یزد نمود و هم بواسطه جدیت جمعی از وطن پرستان و نشریات مخفی ژلاتین آنها بر ضد استبداد دولت عین الدوله صدراعظم (سلطان عبدالمجید میرزا) جمعی را گرفتار کرد و تحت الحفظ تبعید و حبس نمود از آن جمله حاجی میرزا حسن تبریزی معروف برشده و مجد الاسلام کرمانی (شیخ احمد) و میرزا آقا اصفهانی را شبانه گرفته و بکلات نادری تبعید و در آنجا حبس کردند و هم بخانه ملك المتکلمین (حاجی میرزا نصرالله بهشتی اصفهانی) ریخته و او را پیدا نکردند. از طرف دیگر آقا سید جمال الدین اصفهانی واعظ که معرکه عظیمی در طهران برپا کرده بود و با نطق بسیار مؤثر و زبان عوامانه که داشت مردم را بر ضد استبداد دولت تحریک می کرد. تمام اینها قوت فوق العاده عظیمی یافتند از ضدیتی که میان علمای طهران و بالخصوص آقا سید عبدالله مجتهد بهبهانی و عین الدوله پیدا شد.

آقا سید عبدالله شخصاً از رجال خارق العاده ایران بود. تدبیری نظیر با جرأت فوق العاده، پشت کار و فعالیت بی مثل و از همه بیشتر بیختگی و عقل اداره و هم استقامت و ثبات فوق العاده و مردمداری و بذل و بخشش در وجود او جمع شده بود. طلاق لسان

وفصاحتش منحصر بفر د بود . بسیار قوی و بادوام و متحمل همه گونه شداید بود در حقیقت قائمه انقلاب و ستون محکم و روح مدیره همان شخص بود و فقط عیبی که داشت این بود که در نظر بعضی مردم متهم بود باین که دستگاه محضرش خالی از معایبی نبود .

از عجائب خصائص انقلاب ایران آن بود که آن از مبارزه دو طبقه فاسده بر ضد همدیگر پیدا شد چنانکه در دوره های اخیر از مدتها باینطرف ملاحا در ایران نفوذ تامی رسانیده و فساد اداره را بدرجه اعلی بالا برده بودند و تمام کارها بر شوت و احکام ناحق و ناسخ و منسوخ میکشست و در امور دولت مداخله بی اندازه میکردند بحدی که تمام دوائر دولتی از دست ملاحا بجان آمده بودند و دولتیان هر قدر فاسد بودند گاهی ملاحا افسد بوده و آنها را نیز بستوه آورده بودند . من باب مثال از صد هانمونه این حکایت را که آن وقت از افواه شنیده شد میگوئیم :

شیخ فضل الله نوری که با عین الدوله طرح دوستی انداخته بود مبلغی از شوکت الملک امیر قاین گرفته و پیش عین الدوله توسط و اصرار کرده بود که او را حاکم قاینات و بیرجند کرده و عموی او حشمت الملک (حالا حسام السلطنه است) بطهران آمد و او نیز پیش جناب شیخ رفته متوسل شد که توسط بکند تا او را بشغل اولیش برگردانند و از قرار معروف مبلغی بمشار الیه رشوه داده بود و او نیز کاغذی بعین الدوله نوشته و خواهش نصب مشارالیه را بحکومت قاینات کرده بود . عین الدوله از این تناقض بر آشفته و کاغذ را دورانداخته و گفته بود که هنوز از توسط اولی شما چند ماه نمیگذرد . . .

( حاشیه - حشمت الملک و شوکت الملک دو پسر امیر قاین بودند پدرشان در قدرت و جلال و اقتدار در حوزه قلمرو خود در قاینات و سیستان بشکل پادشاه نیم مستقل معروف بود و در سفر ناصر الدین شاه بمشهد پیش کشهای فوق العاده بر کاب شاه آورد . بعد از فوت او دو پسرش رقابت شدیدی در سر حکومت قاینات پیدا کردند . رقابت روس و انگلیس در آن زمان در ایران نقطه مرکزی ثقلت و کانون خود را در سیستان و قاینات داشت که با تمام قوای خود این دو دولت در آن نواحی که راه ترکستان و هرات و هند بود هم مبارزه سیاسی میکردند . از رقابت این دو امیر سیاست